

# نکوداشت سرور مهندس تقی توکلی



کسرت توکلی



ماهنامه اقتصادی و اجتماعی

# کارفاندار

درباره صنعت و صاحبان صنایع

شماره اول - شهریور ۱۳۸۶ - سال چهارم - تهران

عباس میثاقی

سرمایه‌داران  
در سقوط شاه  
نقشی نداشتند



حسین هداپتی

سرمایه‌دار  
رائتی نیستم



به مناسبت ۱۰۰ سالگی کبریت‌توکی

## روایاهای صنعتی «پان ایرانیست تبریزی»

تقی توکلی، میراثدار کبریت‌سازی  
ایران و پایه‌گذار صنایع آذربایجان



تعزیر تاریخی با علی اصغر سعیدی

چرا روشنفکران با  
صنعتگران «چپ» افتادند؟

شرکت در تگهای «صنعت»

چالش‌های حکمرانی در  
وزارت صنعت، معدن و تجارت

موافق توسعه در اندیشه جوان طباطبایی

چرا دیگران صنعتی شدند  
ما نشدیم؟!



تقی توکلی ( محمدتقی توکلی کبریت ساز ) در دهم دی ماه ۱۳۱۰ در تبریز به دنیا آمد .  
خاندان تقی توکلی ، زاده و باشندهی شهر ایروان بودند . پیشینهی خاندانها به  
دنبال عهدنامه ننگین گلستان و ترکمن چای که قفقاز به دست روسیان افتاد ، هنوز  
شهروندی ایرانی خود را حفظ کرده بودند ؛ اما به دنبال کودتای بلشویکی و فشار  
بلشویکها به ترک تابعیت ایران ، حاجی آقا کبریت ساز توکلی که تاجر قند و شکر و  
کبریت بود ، به تبریز آمد و در سال ۱۲۹۷ خورشیدی ، کارخانه کبریت سازی توکلی را  
در این شهر بنیان گذارد . این کارخانه هم اکنون با قدمت یکصد سال ، قدیمی ترین  
کارخانه فعال در کشور محسوب می شود .

**محمدتقی توکلی می گوید :**

« آن زمان که پدرم کارخانه ایجاد کرد به علت خروج ایرانیان از منطقه قفقاز، زنان  
و کودکان زیادی در کاروانسراها و محلات شهر آواره و گرسنه بودند که پدر تعداد

زیادی از آن‌ها را برای کار به کارخانه آورد. آن زمان کارخانه کبریت‌سازی توکلی بیش از ۹۰۰ کارگر داشت و امروز به دلیل پیشرفت صنایع و تکنولوژی با ۳۰۰ کارگر فعالیت می‌کند... کارخانه‌های بزرگ کبریت‌سازی جهان هر کدام محصول خاصی را تولید می‌کنند: یک کارخانه کبریت تزئینی، یکی دیگر کبریت شومینه و... ولی کبریت‌سازی توکلی تنها کارخانه در جهان است که تمامی محصولات را تهیه و تولید می‌کند و جزء باکیفیت‌ترین کبریت‌های جهان شناخته شده است. او با افتخار می‌گوید که، بزرگترین تولیدکننده کم‌هزینه و موثر کبریت در جهان هستیم.

حاجی آقا کبریت ساز، دارای ۲ دختر و ۵ پسر بود که محمدتقی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، به تهران آمد تا در دبیرستان البرز، تحصیلات متوسطه را پی گیرد. محمدتقی، به عنوان دانش‌آموز دبیرستان البرز در نوجوانی به نهضت پان‌ایرانیسم پیوست و در سال ۱۳۲۷ به عضویت مکتب پان‌ایرانیسم درآمد که در ۱۵ شهریور ۱۳۲۶، بنیان گذاری شده بود.







مکتب پان ایرانیسم ۱۳۲۷ خورشیدی  
از راست به چپ : مهندس هوشنگ آق بیاتی - اسماعیل فریور - تقی توکلی - مهدی صدیقی



مکتب بان ایرانیسیم ۱۳۲۷ خورشیدی

از راست به چپ: اسماعیل فریور - ... تقی توکلی -

با تلاش‌های تقی توکلی و دیگرانی که پس از او، مسئولیت پایگاه البرز را عهده‌دار شدند، دبیرستان البرز بدل به یکی از نیرومندترین پایگاه‌های مکتب پان‌ایرانیسم و سپس حزب پان‌ایرانیست گردید؛ چنان‌چه در مبارزات ملی شدن صنایع نفت در سرتاسر کشور، نقش اساسی داشت.

### دبیرستان البرز





## نقش برجسته‌ی دبیرستان البرز

### در مبارزه برای ملی شدن صنایع نفت در سرتاسر کشور

حزب توده ، بر پایه‌ی الگوی آزمایش شده‌ی حزب کمونیست شوروی ، از سوی روس‌ها ساخته و پرداخته شد :<sup>۱</sup>

حزب توده را ، کارکنان حزب بلشویک و دستگاه امنیت روس در تهران در شهریور ماه ۱۳۳۰ ، از کمونیست‌های سازمان پنجاه و سه تن و پاره‌ای کمونیست‌های قدیمی که از زندان آزاد شده یا آزاد بودند ، بنیان نهادند و همواره زیر نظر رهبری آن‌ها بود و ...

روس‌ها ، این حزب را ، بر پایه‌ی نمونه‌ی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، سازمان دادند . جهان‌بینی مارکسیسم را با پس‌وندهای لنینیسم و استالینیسم ، برای آن از مسکو، وارد کردند و مانیفیست کمونیست را به دستش دادند .

چنان که گفته شد ، سازمان‌دهی حزب توده ، به گونه‌ی دقیق از سازمان‌دهی حزب کمونیست شوروی پیروی می‌کرد . روس‌ها ، با بهره‌گیری از مدرسه‌های حزبی در روسیه ، نیروهای لازم را برای گرداندن سازمان حزب توده، تربیت کرده بودند و در کنار این کارها ، برای ایجاد رعب و وحشت برای پیش‌برد مقاصد حزب توده و نیز جلوگیری از رشد و گسترش گروه‌ها، سازمان‌ها و حزب‌های دگراندیش ، دست به تربیت و سازمان‌دهی نیروهای رزمنده‌ی خیابانی، زده بودند .

این نیرو ، مجموعه‌ای بود از ایرانی‌هایی که زیر نظر کارشناسان شوروی در درون

کشور تعلیم دیده بودند و نیز برخی کسانی که از قفقاز به عنوان مهاجر به ایران بازگشت داده شده بودند و نیز گروهی از عناصر امنیتی و نظامی که از میان تاجیک‌ها و ارانی‌ها و ... ، برگزیده شده بودند و در خدمت حزب توده قرار داده شده بودند<sup>۲</sup> :

گارد‌های [حزب توده] که از سوی نیروهای اشغال‌گر روس آموزش دیده بودند، زیر نام کارگران چیت‌سازی، بلورسازی، دخانیات و... سازمان‌بندی شده بودند. بیش‌تر فرماندهان گارد‌های مزبور را مهاجران قفقازی یعنی هم‌خانمانان آن سوی ارس که از سال‌ها پیش به خدمت حزب کمونیست درآمده بودند، تشکیل می‌دادند. اینان، سال‌ها در ارتش سرخ و سرویس‌های اطلاعاتی شوروی، خدمت کرده بودند.

تلاش حزب توده بر این بود که با ایجاد جو ترور و ترس، مراکز تجمع انسانی را در اختیار خود گیرد. مدرسه‌ها را قبضه کند، بر دانشگاه و مراکزهای آموزش عالی، مسلط شود و اداره‌ها و کارخانه‌ها را زیر یوغ خود، درآورد.

اما بر پای مکتب پان ایرانیسم و سپس حرکت نهضت پان ایرانیسم به سوی تشکیلات حزبی، رفته رفته توانست ترور حزب توده را در خیابان‌ها، مدرسه‌ها، دانشگاه و موسسه‌های آموزش عالی، کارخانه‌ها و اداره‌ها درهم بشکند و در این فرآیند، حزب‌ها و سازمان دیگر توانستند در صحنه‌ی مبارزه‌های اجتماعی و سیاسی ایران حضور یابند.

پان ایرانیست‌ها، توانستند فضایی ایجاد کنند که حزب‌هایی مانند حزب ایران و حزب زحمتکشان ملت ایران، مجمع مسلمان مجاهد و ... ، با امنیت خاطر بیش‌تر، در تظاهرات خیابانی شرکت کنند.

اگر پان ایرانیست‌ها نبودند و نمی‌توانستند برابر ترور سازمان یافته‌ی حزب توده بایستند

و برابر نیروهای تعلیم یافته‌ی حزب توده برای رزم‌های خیابانی پایداری کنند و نمی‌توانستند ، جهان‌بینی را با جهان‌بینی پاسخ دهند ، بدون هرگونه دودلی ، مبارزه‌ی ملی شدن صنایع نفت در سرتاسر کشور ، از گستردگی لازم ، برخوردار نمی‌گردید .

سهم بزرگ پان ایرانیست‌ها در آن مبارزه ، این بود که توانستند به سلطه‌ی حزب توده بر مدرسه‌ها ، دانشگاه و مرکزهای آموزش عالی ، کارخانه‌ها ، اداره‌ها و ... پایان داده و به مردم عادی ، به مردم کوچه و بازار ، به دانش‌آموزان ، به دانش‌جویان و نیز به کارگران ، اصناف و پیشه‌وران و دیگران ، امکان دادند تا با حضور در کنار صف میلیون ، مبارزه‌ی ملی شدن صنایع نفت در سر تا سر کشور را یاری کرده و گسترده کنند .

این پان ایرانیست‌ها بودند که در برابر جهان‌بینی مارکسیسم ، جهان‌بینی ناسیونالیسم را به نسل جوان و روشن فکران ایران ، ارائه کردند .

بیش از هفتاد سال است که واژه‌ی پان ایرانیسم وارد فرهنگ اجتماعی - سیاسی میهن ما شده است. سال‌ها ، این واژه و مفاهیم آن در حد گفتگوهای نظری ، آن هم به کوشش دکتر محمود افشار یزدی باقی ماند . برای نخستین بار ، وی در سال ۱۳۰۶ این واژه را به کار برد . سپس در سال ۱۳۱۱ ، به شرح و بسط آن پرداخت و بعد در سال ۱۳۲۴ ، « پان ایرانیسم » را در قالب یک مکتب فرهنگی ، به جامعه‌ی ایران عرضه کرد . در سال ۱۳۲۶ ، بر پایه‌ی این اندیشه یک مکتب فکری بنیان‌گذاری گردید و مساله شکل سیاسی به خود گرفت .

حضور نیرومند حزب توده در آن زمان و دشمنی حکومت اتحاد شوروی با اندیشه‌ی پان ایرانیسم ، سبب بروز کشمکش‌هایی میان هواداران اندیشه‌ی مزبور و حزب توده

شد .

نظام اتحاد شوروی سابق ، یعنی زندانبان ملتها ، قومها و تیره‌های بسیار ، برای جلوگیری از گسترش اندیشه‌ی « ملی‌گرایی » و در نتیجه پیش‌گیری از قیام ملتها ، تیره‌ها و اقوام زیر ستم ، کوشش بر آن داشت تا اندیشه‌ی ملی‌گرایی را زشت و ناپسند جلوه دهد . افزون بر آن ، احزاب دست‌نشانده‌ی شوروی و نهضت‌های چپ به طور کلی ، می‌کوشیدند تا با الگوبرداری از روش‌های اردوگاه جهانی سوسیالیسم ، اندیشه‌ی ملی‌گرایی را در سراسر جهان مورد یورش قرار داده و سرکوب کنند .

در نظام آموزشی اتحاد شوروی پیشین ، به گونه‌ی همه‌ی نظام‌های سلطه‌گرا (چه پیش از آن و چه پس از آن) ، کوشش بر آن بود تا با تلقین مداوم و در نتیجه « شرطی کردن » کودکان و نوجوانان ، مفاهیم قالبی خود را به خورد آنان بدهند . در همین راستا ، در همه‌ی مدرسه‌های شوروی سابق افزون بر ناپسند شمردن و سب و لعن اندیشه‌ی ملی‌گرایی ، « پان ایرانیسم » نیز به عنوان پدیده‌ای زشت ، پدیده‌ای ضد خلق و ساخته و پرداخته دست امپریالیسم و دشمنان طبقه‌ی کارگر ، به دانش‌آموزان آموخته می‌شد . در این زمینه، به یک مورد، به عنوان مثتی از خروار ، اشاره می‌شود . در سی و دومین جلد دانش‌نامه (دایره‌المعارف) شوروی ، درباره‌ی « پان ایرانیسم » چنین آمده است :<sup>۳</sup>

فلسفه‌ای است ارتجاعی و نژادی . محرکین آن [ اندیشه‌ی پان ایرانیسم ] ، ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ ایرانی‌اند که با امپریالیست‌های خارجی رابطه دارند .

در سرزمین‌های جدا شده از ایران، یعنی قفقاز و آسیای میانه، سب و لعن پان ایرانیسم قوی‌تر و با آب و تاب بیشتر از سوی آموزگاران برای شاگردان، عنوان می‌شد. آموزگاران ساعت‌های پیاپی در نکوهش «پان ایرانیسم» برای شاگردان داد سخن می‌دادند و به شیوه‌ی تبلیغاتی بلشویک‌ها، در کنار حکایت‌های عجیب و غریب، سیلابی از تهمت و افترا را نیز چاشنی آن می‌کردند. آنان می‌کوشیدند تا با تکیه به روش‌های روانشناسی به سبک شوروی، چهره‌ای بسیار زشت از «پان ایرانیسم» و هیولاهایی خونخوار، از پان ایرانیست‌ها ارائه نموده و این آموزه‌های دروغ را به خورد دانش‌آموزان بدهند. دوست ارجمند و هم‌خانمان گرامی تاجیک، آقای میرزا شکورزاده که دوران دبستان، دبیرستان و دانشگاه را در تاجیکستان زیر سلطه‌ی شوروی گذرانده، پیرامون گفته‌ی بالا، می‌گوید:<sup>۴</sup>

با وجودی که من و مانند من در نظام بلشویکی بزرگ شده بودیم، اما همیشه می‌کوشیدیم که در آن جو خفقان و بی‌خبری، پیوندهای گذشته را باز یابیم، بیاموزیم و حفظ کنیم. روزی آموزگار در کلاس درس آموزش اجتماعی، سخن از «پان ایرانیسم» به میان آورد و آن را با زشت‌ترین واژه‌ها تعریف کرد و از هواداران آن به عنوان هیولا و دیو نام برد. در زنگ تفریح، برخی از هم‌کلاسی‌ها به گرد هم آمدیم و در حالی که از شنیدن نام «پان ایرانیسم» سخت به هیجان آمده بودیم، با هم به نجوا پرداختیم. همگی بر این باور بودیم که برخلاف گفته‌های آموزگار، «پان ایرانیسم» می‌تواند نهضت نجات‌بخش ما نیز باشد.

عصر که به خانه رفتیم، بی‌درنگ نزد پدر شتافتیم. پدر مردی بود که هر روز شاهنامه می‌خواند و دارای عواطف ملی‌گرایی و ایران‌دوستی بود. سخنان آموزگار و نظر خود و تنی چند از هم‌شاگردی‌ها را برایشان بازگو کردم. پدر گفت: نظر تو و دوستانت درست است. برخلاف آن چه دستگاه‌های دولتی می‌گویند، «پان ایرانیسم»

اندیشه‌ی «شر» نیست بلکه اندیشه‌ی «خیر» است و امیدوارم روزگاری بتواند تحقق پیدا کند. زیرا نجات ما، در گرو هم‌بستگی و وحدت است.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، در اثر هم‌کاری و هم‌آوایی دو نیروی اشغال‌گر روس و انگلیس، حزب توده آغاز به کار کرد. دفترهای این حزب در تهران و مناطق شمالی کشور که زیر سلطه‌ی سربازان روس بود، یکی پس از دیگری گشوده شدند. البته باید توجه داشت که نیرومندترین تشکیلات حزب توده در دوران مزبور، پس از مناطق تحت اشغال روس‌ها، در شهر آبادان قرار داشت که مرکز شرکت سابق نفت جنوب بود. پالایشگاه آبادان که در آن روزگار بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان به شمار می‌رفت و سوخت ناوگان امپراتوری انگلیس را تامین می‌کرد، در این شهر قرار داشت.

در ایران نیز حزب توده از همان آغاز فعالیت، ستیز با اندیشه‌های ملی و ملی‌گرایان را با بهره‌گیری از الگوهای وارداتی از روسیه، در برنامه‌ی روزمره‌ی خود قرار داد. حزب توده برای تهیه‌ی «خوراک تبلیغاتی» در این مورد نیز مانند زمینه‌های دیگر، نیازی به تفکر، بررسی، پژوهش و ... نداشت. همه چیز از پیش وسیله‌ی «رفقا» در مسکو آماده شده بود. از این رو در سرتاسر جهان، بلشویک‌ها اندیشه‌ی ملی‌گرایی و ملت‌گرایان را با یک رشته گفتارهای زشت و همانند و یک سلسله تهمت‌ها و افتراهای «کلیشه‌ای» محکوم می‌کردند. همه جا از دهان آنان یک سخن بیرون می‌آمد:

دشمن طبقه‌ی کارگر، نوکر امپریالیسم، بورژوا، لیبرال، فاشیست، نازیست و ... برای درک بهتر طرز تفکر حزب توده پیرامون مساله‌ی ملی و ملت‌گرایی و آشنایی بیش‌تر با منطق «دیالکتیک تاریخی» که بلشویک‌ها می‌کوشیدند، پایه‌های علمی

برای آن دست و پا کنند ، تنها به عنوان نمونه ، به ارایه‌ی مشت کوچکی از خروارها خروار دشنام و تهمت و افترا ، بسنده می‌گردد . روزنامه‌ی بسوی آینده که میان سال‌های ۱۳۲۸ تا مرداد ماه ۱۳۳۲ ، به عنوان ارگان غیررسمی حزب توده منتشر می‌شد ، در سرمقاله‌ای ، زیر عنوان « ملی چیست ؟ » ، می‌نویسد :<sup>۵</sup>

ملی نقاب سیاسی است که چهره‌های داغدار و اندوهگین را می‌پوشاند .  
ملی سرپوشی است که قبایح و ردایل را مخفی می‌کند . ملی هر جور و جنایتی را جایز می‌شمارد ... عقل ملی ناقص ، فکر ملی ناقص ، منطق ملی ضعیف ، زبان ملی الکن است . خواهیم بود و اضمحلال ملی را خواهیم دید ...

هنگامی که در پانزدهم شهریورماه ۱۳۲۶ خورشیدی ، مکتب پان ایرانیسم موجودیت خود را اعلام کرد ، « روس » ها ، صفحات مربوط به « پان ایرانیسم » را از فرهنگ‌ها (دایره‌المعارف) و هم‌چنین کتاب‌های درسی مدرسه‌های حزبی ، نسخه‌برداری کرده و در اختیار گرداندگان حزب توده قرار دادند .

از این رو ، پس از نخستین اعلامیه‌های مکتب پان ایرانیسم و انتشار هفته‌نامه ساسانی ، حزب توده ترجمه‌ی نوشته‌های مزبور را چونان گندابی از فحش و ناسزا ، به هر سو روان کرد . اما جنگ تبلیغاتی کافی نبود ، می‌بایست با شیوه‌های ایجاد ترور و وحشت ، ملی‌گرایان و پان ایرانیست‌ها را از میدان به در می‌کردند . از این رو ، شکار ملی‌گرایان و پان ایرانیست‌ها از سوی گاردهای مسلح حزب توده آغاز شد . گاردهای مزبور که از سوی نیروهای اشغالگر روس آموزش دیده بودند ، زیر نام کارگران چیت‌سازی ، بلورسازی ، دخانیات و ... ، سازمان‌بندی شده بودند . بیش‌تر فرماندهان گارد مزبور را ، « مهاجران قفقازی » یعنی هم‌خانمان آن

سوی ارس که از سال‌ها پیش به خدمت حزب کمونیست درآمده بودند، تشکیل می‌دادند. اینان سال‌ها در ارتش سرخ و سرویس‌های اطلاعاتی شوروی، خدمت کرده بودند. اما چنان که تاریخ معاصر ایران گواه است، پایداری گروهی از جوانان این سرزمین در قالب مکتب پان ایرانیسم و حزب‌های برخاسته از آن، همه‌ی این تمهیدات را در هم شکست و راه را بر مبارزات وسیع ناسیونالیستی ملت ایران زیر شعار ملی کردن صنایع نفت در سرتاسر کشور، به پیشوایی دکتر محمد مصدق، هموارتر کرد.

تا پیش از درهم شکسته شدن جو اختناق، ترور تحمیل شده از سوی حزب توده بر محیط دانشگاه، مدرسه‌ها، خیابان‌ها، کارخانه‌ها و ...، این حزب بر محیط‌های مزبور و کوچه و خیابان‌ها، سلطه‌ی کامل داشت. احزاب و گروه‌های موجود در حاشیه قرار داشتند و فاقد توان حضور در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی کشور بودند. از این رو، این گونه احزاب برای پیدا کردن فضا، ناچار همراه و همگام حزب توده می‌شدند. از نمونه‌های بارز آن، تلاش نافرجام برای تجزیه آذربایجان و همگامی برخی حزب‌های به ظاهر ملی با حزب توده و فرقه دموکرات است.

بدین سان، حضور پان ایرانیست‌ها در صحنه‌ی مبارزات سیاسی - اجتماعی ملت ایران، امکان حضور فعال‌تر دیگر گروه‌های سیاسی و از همه مهم‌تر، توده‌های مردم ایران را در صحنه‌های مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور، بیش از پیش امکان‌پذیر کرد.

البته از یاد نبریم که مبارزه ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور، بزرگ‌ترین مبارزه‌ی «ضد استعماری» ملت ایران در قرن بیستم میلادی بود. در اثر این مبارزه



بزرگ و در هم کوبیدن پایگاه نیرومند استعمار انگلیس در قالب ملی کردن صنایع نفت و خلع ید از شرکت غاصب نفت، راه برای خیزش مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، هموار شد.

یاد همه‌ی کوشندگان نهضت ملی کردن نفت در سرتاسر کشور، گرامی باد.

حزب پان ایرانیست، در تهران و شهرستان‌ها دارای سازمان‌بندی زیر بود: سازمان جوانان، سازمان زنان، سازمان کارگران، سازمان اصناف، سازمان کارمندان و معلمان. در تهران، حزب دارای دفتر مرکزی و سازمان‌های وابسته به آن بود که نقش ارتباط و سرپرستی تشکیلات را در تهران و استان‌ها و شهرستان‌ها، به دوش می‌کشید. اماستون فقرات تشکیلات حزب پان ایرانیست را، تشکیلات سازمان جوانان (نیروهای دانش‌آموزی و دانش‌جویی) تشکیل می‌داد. به جرات می‌توان گفت که پایگاه حزب پان ایرانیست در دبیرستان البرز، نیرومندترین یگان تشکیلاتی حزبی در آن روزگار بود.

حزب پان ایرانیست در سال تحصیلی ۳۱-۱۳۳۰، دارای کمابیش ۳۰ نیرو (حوزه حزبی) در دبیرستان البرز بود. هر نیرو، دستکم دارای ۱۰ عضو بود. با توجه به نیروی کادر (نیروی نیروداران) که کمابیش، ۲۵ عضو داشت (پارهای از نیرودارها، چند نیرو را اداره می‌کردند)، حزب پان ایرانیست، کمابیش دارای ۳۶۰-۳۵۰ عضو پیوسته در دبیرستان البرز بود و شمار وابستگان، از ۳۷۰ تا ۳۸۰ تن، فزون‌تر بود.

شمار نیروهای حزب در سال تحصیلی ۳۲-۱۳۳۱، از این تعداد، فراتر رفت و به کمابیش ۳۸ نیرو رسید که با توجه به اعضای کادر (نیروی نیروداران)، اعضای پیوسته‌ی حزب در دبیرستان البرز، بیش از ۴۰۰ تن بود و افراد وابسته به ۵۰۰ تن می‌رسید. راستی را، می‌توان

گفت که دبیرستان البرز، یک پارچه «پان ایرانیست» بود. بدین سان، با در نظر گرفتن این تعداد، هیچ یگان دیگر حزبی (حتا، با در نظر گرفتن حزب توده)، دارای این شمار عضو پیوسته و وابسته در یک یگان، نبود.

از سال ۱۳۲۷، دبیرستان البرز، نیرومندترین پایگاه مکتب پان ایرانیسم و سپس حزب پان ایرانیست، به شمار می‌رفت.

در روز سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ به جز دوستان شهرستانی که برای تعطیلات تابستان به شهرستان‌ها رفته بودند، همه‌ی اندامان پایگاه البرز، در میدان بهارستان حضور داشتند.

نخستین مسئول پایگاه البرز، تقی توکلی کبریت‌ساز بود که در میان همه‌ی یاران، به تقی کبریت‌ساز معروف بود. وی در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹، مسئول پایگاه البرز بود.

تقی توکلی کبریت‌ساز، یک خودروی هودسن (Hudson) سربی رنگ داشت که شماره شهرداری آن ۴۴۴ بود. این خودرو در جابه‌جایی افراد پان ایرانیست، نقش بسیار مهم و حساسی داشت. گاهی تا ۱۶-۱۵ نفر بر آن سوار می‌شدند که چند نفر با در باز، در صندوق پشت قرار می‌گرفتند. بدنه‌ی هودسن ۴۴۴ از ضربه‌های سنگ، چوب، چماق و دیلم توده‌ای‌ها، فرورفتگی‌های بسیار داشت.

او با کوشش خستگی‌ناپذیر و پی‌گیر، تشکیلات مکتب پان ایرانیسم و سپس حزب پان ایرانیست را در دبیرستان البرز بر پایه‌های استواری بنا کرد. به گونه‌ای که پس از وی، هر سال، بالنده‌تر شد و بر شمار کوشندگان و هواخواهان افزوده گشت.

تقی توکلی کبریت‌ساز، در سال ۱۳۳۰ برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا رفت و به جای وی، داریوش پروین مسئول پایگاه شد (در سال تحصیلی ۳۱ - ۱۳۳۰). در روز سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ داریوش به همراه همه‌ی اندامان پایگاه، در میدان بهارستان حاضر بود. باید یادآور شد که کوشش‌ها و فداکاری‌های «تقی» و «داریوش» از عوامل مؤثر در نیرومندی و بالندگی، پایگاه البرز، بود.

پس از داریوش پروین، در سال تحصیلی ۳۲ - ۱۳۳۱، هوشنگ طالع مسئولیت پایگاه البرز را به عهده گرفت و سال تحصیلی بعد، پرویز ظفری، مسئول پایگاه البرز بود. داریوش پروین توانست در سایه‌ی خرد و دلیری، پایگاه البرز را گسترش دهد و نقش پایگاه را در مبارزات ملی، نمایان‌تر سازد.

شماری از دانش‌آموزان عضو حزب پان‌ایرانیست در دبیرستان البرز، از شهرستان‌ها به تهران آمده بودند و بیش‌تر آن‌ها، در شبانه‌روزی البرز مستقر بودند. شبانه‌روزی دبیرستان البرز در سال تحصیلی ۳۱ - ۱۳۳۰، کمابیش ۱۵۰ شاگرد داشت. همه‌ی شاگردان شبانه‌روزی با آغاز تعطیل تابستانی به شهرهای خود بازمی‌گشتند. از این‌رو، در واقعه‌ی ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ و یا روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲، شماری از یاران دبیرستان البرز در تهران نبودند.

اما از سوی دیگر، دانش‌آموزان شبانه‌روزی که به حزب پان‌ایرانیست می‌پیوستند، در شهرهایی که هنوز حزب فعال نبود، هسته‌های اولیه‌ی فعالیت را ایجاد می‌کردند و در شهرهایی که حزب فعال بود، با حضور آنان، بر نیروی تشکیلات آن شهرها در تعطیلات تابستان، افزوده می‌شد.

با توجه به این مسایل ، پایگاه البرز تاکید ویژه‌ای بر جلب دانش‌آموزان شبانه‌روزی داشت و موفقیت زیادی نیز در این زمینه به دست آورد . از سوی دیگر ، شبانه‌روزی ، جای مناسبی برای برگزاری نشست‌های آشنایی با حزب بود و هفته‌ای چند نشست با حضور دانش‌آموزان البرز و نیز دانش‌آموزان دبیرستان‌های دیگر ، برپا می‌شد .

از آغاز سال تحصیلی ۳۲-۱۳۳۱ تا خرداد شوم ۲۸ امرداد ، پایگاه البرز ، دارای یک دفتر دو اتاقه در طبقه سوم ساختمان ۳/۹۷۱ در خیابان شاهرضا (انقلاب) نرسیده به چهارراه پهلوی (ولی‌عصر) بود . هر روز در این دفتر ، پس از تعطیل دبیرستان ، چندین نشست نیرو ، تماس و آزمایشی برگزار می‌شد . وجود این دفتر باعث شده بود که از نیاز به اتاق‌های شبانه‌روزی برای برپایی نشست‌ها، کاسته شود .

با توجه به اهمیت دبیرستان البرز به دلیل انبوه دانش‌آموزان که بیش از ۱۵۰۰ تن بود ، حزب توده بارها کوشید تا با گسیل نیروهای رزمنده‌ی خیابانی خود ، پایگاه البرز را تسخیر کند . با وجودی که بسیاری از دانش‌آموزان البرز در این درگیری‌ها زخم برداشتند و روانه بیمارستان شدند؛ اما تلاش‌های حزب توده نافرجام ماند و البرز به عنوان پایگاه مستحکم اندیشه‌ی ملی‌گرایی و هم‌گامی و هم‌یاری با نهضت ملی ایران ، پا برجا ماند .

شاید در عرض ۳ سال (از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲) ، بیش از ۲۰ بار البرز مورد هجوم نیروهای ویژه رزم‌های خیابانی حزب توده قرار گرفت . از گسترده‌ترین یورش‌ها به دبیرستان البرز، روز بیست و یکم بهمن ماه ۱۳۳۰ با شرکت صدها تن از نیروهای ویژه‌ی حزب توده ، به فرماندهی « باقریگ » انجام گرفت . در این یورش علی‌رضا غزینی و فرهاد گنجه‌ای ( از اندامان پایگاه البرز ) ، به سختی از ناحیه‌ی چشم زخمی شدند.

از سوی دیگر ، با حمایت پایگاه البرز ، سازمان‌های دانش‌آموزی حزب پان‌ایرانیست در دیگر دبیرستان‌ها از گسترش ویژه‌ای برخوردار شد . به گونه‌ای در سال تحصیلی ۱۳۳۲-۱۳۳۱ ، دبیرستان‌هایی که در

تهران در راستای نهضت ملی ایران قرار داشتند ، بسیار بیش تر از دبیرستان‌هایی بود که حزب توده در آن صاحب نفوذ بود .

در همه‌ی تظاهرات ملی ، دبیرستان البرز با صف پرشمار و منضبط ، پیشتاز بود . بسیاری از دبیرستان‌های بزرگ دیگر ، مانند فیروز بهرام ، هدف ، پیرنیا ، رازی ، دارالفنون ، شاپور تجریش و ... در تظاهرات به صف دبیرستان البرز می‌پیوستند . باید گفت که صف دبیرستان البرز و دبیرستان‌های هم گام ، بسیار پرشمارتر از صف دانشگاه تهران بود .<sup>۶</sup> چنان که گفته شد ، دبیرستان البرز در شکستن جو ترور اختناق حزب توده بر دبیرستان‌های تهران ، نقش بسیار ارزنده و اساسی داشت . بدین سان ، پایگاه البرز توانست راه را برای حضور دانش‌آموزان در صفوف مبارزه ملی ، هموار کند . یاد همه‌ی کوشندگان ، پیوستگان و وابستگان پایگاه البرز ، گرمی باد .

---

۶- روزنامه اطلاعات ( اول اردی‌بهشت ۱۳۳۰ ) با سرخط تظاهرات دانش‌جویان و دانش‌آموزان تهران می‌نویسد :  
عده‌ی زیادی از دانش‌جویان و دانش‌آموزان دانشگاه و دبیرستان‌های تهران و حومه ، طبق اطلاع قبلی از ساعت ۸ صبح امروز ، به تدریج مقابل دانشگاه و دبیرستان البرز ، با در دست داشتن شعارهای مختلف ، اجتماع کردند ...

تقی توکلی در سال ۱۳۳۰ برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت و در رشته‌ی مهندسی در دانشگاه نبراسکا نام‌نویسی کرد و از این دانشگاه موفق به دریافت مهندسی مکانیک شد .

همزمان با ورود به آمریکا ، تلاش‌های پان ایرانیستی را آغاز کرد و توانست با رسیدن دوستان تازه از ایران مانند پرویز نکیسا ، داریوش پروین و ... تشکیلات حزب پان ایرانیست در آمریکا را پایه‌گذاری نماید و راهبری کند .

مهندس تقی توکلی پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و افزون بر مدیریت کارخانه کبریت توکلی و گسترش آن با ایجاد صنایع دیگر ، در اندیشه‌ی صنعتی کردن تبریز ، زادگاهش بود که در سال ۱۳۴۵ با یاری دولت توانست ، کارخانه ماشین‌سازی تبریز را بنیان‌گذاری کند و راه را برای صنعتی شدن بیش‌تر تبریز بگشاید .



#### کارخانه کبریت‌سازی تبریز

از چپ به راست : بانو ویدا صارمی نوری مدیر کل خدمات درمانی آذربایجان شرقی - بانو تقی‌زاده - محمود زینتی خبرنگار تلویزیون - نورالدین تقی‌زاده ذیحساب عمرانی آذربایجان شرقی - کاووس صفایی رییس استاندارد آذربایجان شرقی - نفر آخر سمت راست جناب دکتر منوچهر آگاه رییس اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی

مهندس تقی توکلی ، با باور ژرف به ناسیونالیسم ایرانی و با تشریح ریشه اصیل و هویت منسجم ملت ایران ، براین باور است : « ملت ایران تنها ملت منسجم و هویت دار منطقه خاورمیانه است و این بزرگترین سلاح برتری ماست ؛ قطر، عربستان ، امارات و... با صدها جنگنده اف-۱۶ و یا هر نوع سلاح دیگری نمی توانند بزرگ باشند و بازیگر سیاسی، چون «ملت» ندارند، «خاک» ندارند، «ریشه» ندارند و «انسجام» ندارند و فقط دور یک سفره نفتی گرد هم آمده‌اند. آن‌ها حتی برای ساختن برج‌هایشان خاک ندارند ... »

۱۵ شهریور ۱۳۹۷ - هوشنگ طالع

گردهمایی یاران مکتب و برخی از کوشندگان ۷ آبان ماه ۱۳۸۴  
روز جهانی کوروش بزرگ  
هتل ایران شهر - تهران



از راست به چپ (ردیف جلو) :  
مهندس علی محمد لشکری ، مهندس تقی توکلی ، مهندس داریوش پروین ،  
منوچهر تیمسار، دکتر مهرداد سالور ، مهندس احمد ال یاسین  
از چپ به راست (ردیف پشت) :  
بهاءالدین هاتفی ، مهندس بهمن کامیار ، صادق فرخ ، پرویز نکیسا ،  
دکتر هوشنگ طالع





از چپ به راست : بهاء الدین طاقتی ، دکتر هوتنگ طالع ،  
پروفیسور هوتنگ شہنواز ، مهندس احمد ال یاسین ،  
صادق فرخ ، منوچہر نیسار ، مہرداد سالور ، مهندس داریوش پروین ،



از چپ به راست نشستہ : دکتر ہوشنگ طالع - مهندس تقی توکلی - مهندس داریوش پروین -

دکتر مہرداد سالور - دکتر علاءالدین خطیر

از چپ بہ راست ایستادہ : پروفیسور ہوشنگ شہنواز - مهندس احمد آل یاسین



از راست به چپ : مهندس داریوش پروین - مهندس تقی توکلی - دکتر هوشنگ طالع



از راست به چپ : منوچهر تیمسار - مهندس علی محمد لکری - دکتر مهرداد سالور  
مهندس تقی توکلی - مهندس سعید فیروزی - دکتر علاءالدین خطیر



از راست به چپ : مهندس داریوش پروین - مهندس تقی توکلی - دکتر هوشنگ طالع  
ایستاده : مهندس احمد آل یاسین



از چپ به راست نشستہ : منوچہر تیمسار - مهندس علی محمد لشکری - دکتر مہرداد سالور  
مهندس داریوش پروین - مهندس تقی توکلی - دکتر علاءالدین خطیر - مہرداد ناظمی  
ہیاءالدین ہاتفی - مهندس احمد آل یاسین - مهندس بہمن کامیار  
عبداللہ مراد علی بیگی - صادق فرخ - مهندس پرویز نکبسا



از راست به چپ : مهندس تقی نوکلی ، علی زرینه باف

( تالار مهرگان )



از چپا به راست : مهندس تقی توکلی ، مهندس هوشنگ آق بیانی ، صادق فرخ  
( تالار مهرگان )







از راست به چپ : مهندس داریوش پروین - مهندس تقی توکلی  
(دفتر کبریت توکلی ۱۳۹۶)